

رجعت سید الشهدا^(ع) در زمان ظهور حضرت مهدی^(عج)

محمد معینی فرا

فاطمه سادات مشیریان

چکیده

یکی از موضوعات بسیار مهم در اندیشه‌ی شیعیان برگرفته از آموزه‌های اهل بیت^(ع)، موضوع رجعت است. این آموزه که به آیات قرآن و روایات معصومین مستند شده، سؤالات زیادی را به خود اختصاص داده است. در روایتی حضرت اباعبدالله^(ع) اشاره به رجعت خویش در زمان ظهور حضرت مهدی^(ع) دارند. نکته‌ی مهم اینکه، روایات رجعت به دوگونه هستند؛ روایاتی که تصریح به لفظ رجعت دارند و روایاتی که به صورت معنائی و غیرمصرح رجعت را تبیین می‌کنند. در این مقاله به یک روایت از امام صادق^(ع) که به صورت تصریح به لفظ رجعت سید الشهدا^(ع) می‌پردازد، اشاره می‌گردد و یک روایت نیز از وجود گرامی امام حسین^(ع) که به صورت غیرصریح به رجعت خویش و اصحابشان اشاره می‌کنند، پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: امام حسین^(ع)، امام مهدی^(ع)، رجعت، ظهور امام زمان^(عج).

در مبحث اعتقادات خاصه‌ی شیعه یکی از موضوعات بسیار مهم در اندیشه‌ی شیعیان - که برگرفته از آموزه‌های اهل بیت (ع) است - موضوع رجعت است. این آموزه که به آیات قرآن و روایات معصومین (ع) مستند شده، سؤالات زیادی را به خود اختصاص داده است. از جمله‌ی آنها، اولین شخصی که در زمان ظهور امام زمان (ع) رجعت می‌کند و به دنیا بازمی‌گردد، کیست؟ در روایاتی پاسخ به این سؤال از زبان معصومین (ع) اشاره به حضرت سید الشهدا (ع) دارد. جالب اینکه در روایتی خود حضرت اباعبدالله (ع) اشاره به رجعت خویش در زمان ظهور حضرت مهدی (ع) دارند و دل اصحاب خویش را با این بیان آرام می‌کنند. نکته‌ی مهم اینکه، روایات رجعت به دوگونه هستند؛ روایاتی که تصریح به لفظ رجعت دارند و روایاتی که به صورت معنایی و غیرمصرح رجعت را تبیین می‌کنند. در این مقال به یک روایت از امام صادق (ع) که به صورت تصریح به لفظ رجعت سید الشهدا (ع) می‌پردازد، اشاره می‌گردد و یک روایت نیز از وجود گرامی امام حسین (ع) که به صورت غیرصریح به رجعت خویش و اصحابشان اشاره می‌کنند، مورد استناد قرار می‌گیرد.

تعریف لغوی رجعت

لغت‌شناسان در کتب لغت، رجعت را به معنای «بازگشت» ترجمه کرده‌اند. آنها در توضیح رجعت گفته‌اند: «رجعت، مصدر مره از ماده‌ی "ر، ج، ع" به معنای یکبار بازگشتن یا بازگردانیدن است.»^۱ همچنین گفته شده «رجع الرجل رجوعاً و مرجعاً، و... هو یؤمن بالرجعة، أى بالرجوع الى الدنيا بعد الموت.»^۲ یعنی رجوع به معنای بازگشت است و کسی که به رجعت ایمان دارد، یعنی رجوع به دنیا پس از مرگ را نیز معتقد است.

کلمه‌ی «رجع» از نظر صرفی هم لازم و هم متعدی استعمال شده است. استعمال لازم در قرآن مانند: ﴿فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا﴾^۳ است. و مورد استعمال متعدی مانند: ﴿فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَىٰ طَائِفَةٍ مِنْهُمْ...﴾^۴ می‌باشد.

حال باید دقت داشت که رجعت از ماده‌ی رجوع و به معنای بازگشتن در استعمال، لازم و در مثال، مانند آیه‌ی اول است. گفته شود در معنا و مفهوم رجعت (بازگشت)، کلمات و

۱. الفراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۱، ص ۲۲۵.

۲. الشرتونی، سعید، اقرب الموارد فی فصیح العربیة والشواری، ماده‌ی رجع؛ ایمان به رجعت را نیز رک. الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ماده‌ی رجع، ص ۳۴۲.

۳. سوره‌ی طه، آیه‌ی ۸۶.

۴. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۸۳.



واژگان دیگری در قرآن و روایات نیز مانند: ایاب،^۱ حشر،^۲ گزّه،^۳ رد،^۴ که همه در معنای بازگشت مشترکند، به معنای رجعت به کار رفته اند؛ هر چند استعمال رجعت بیشتر اصطلاح شده و متداول گشته است.

تعریف اصطلاحی رجعت

در اصطلاح نیز برای رجعت معانی متفاوتی گفته شده است که هیچ کدام منظور نظر علم کلام نیست، اصطلاحاتی مانند:

۱. رجعت در فقه: «بازگردیدن مرد به سوی زن مطلقه‌ی خود در مدت قانونی و شرعی».

۲. رجعت در نجوم: «بازگشت کوکب از سیر طبیعی خود» است:

و گر رخصه یابد ز تو هست ممکن که خورشید رجعت کند هم به خاور (خاقانی)

۳. رجعت نزد منجمان و اهل هیئت، عبارتست از: «حرکتی غیر از حرکت کوکب متحیره به سوی خلاف توالی بروج و آن را رجوع و عکس نیز می‌نامند».

۴. رجعت در عرفان: «نزد اهل دعوت عبارتست از رجوع و بال و نکال و ملال صاحب

اعمال به سبب صدور فعل زشت از افعال، یا بتکلم گفتاری سخیف از اقوال».^۵

۵. رجعت در جامعه‌شناسی: جیام باتیستا ویکاً مورخ و فیلسوف ایتالیائی (۱۶۶۸-۱۷۴۴م)

به نوعی بازگشت (رجعت) در جامعه معتقد است، ولی قائل است با رجعت در ادیان قدیم یونان و ادیان شرق متفاوت است. در علوم اجتماعی، برخی جامعه‌شناسان به هنگام بحث از قانونمندی جامعه و تاریخ، بر این باورند که تاریخ سه مرحله‌ی ربانی (یا خدائی، آسمانی، الهی، دینی)، قهرمانی (یا پهلوانی یا اسطوره‌ای) و انسانی (یا مردمی) را همیشه طی می‌کند. این ادوار با ادوار حیات انسانی یعنی دوران کودکی، جوانی و پیری مطابقت دارد. ولی تنها تفاوت آن این است که انسان بعد از پیری می‌میرد، ولی حرکت جامعه دوباره از نو شروع می‌شود و از دستاوردهای قبلی استفاده می‌کند. وی قائل است این حرکت تاریخ (بازگشت دوران) با آنچه قائلان به «ادوار و اکوار» و «رجعت» گویند متفاوت است.^۶

۱. «إِن إِلَيْنَا إِيَابُهُمْ»، سوره‌ی الغاشیة، آیه‌ی ۲۵.

۲. «وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيَوْمِنَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ»، سوره‌ی الانعام، آیه‌ی ۱۱۱.

۳. «فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةٌ فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»، سوره‌ی الشعراء، آیه‌ی ۱۰۲.

۴. «وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَى رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا»، سوره‌ی الکهف، آیه‌ی ۳۶.

۵. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ص ۱۱۹۳۴، ماده‌ی رجعت.

6. Jiame Batista Vico.

۷. مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۱۴۱.

رجعت در کلام: رجعت در اصطلاح کلامی (متکلمان) عبارت است از بازگشت برخی از اموات به دنیا بعد از ظهور حضرت مهدی (عج) و قبل از قیامت. این اعتقاد که مورد تأیید قرآن و روایات اهل بیت عصمت (ع) است، در قسمت‌های بعدی به صورت تفصیلی در قالب اندیشه‌ی متکلمین توضیح داده می‌شود؛ ولی نکته‌ی حائز اهمیت این است که تمامی معانی رجعت که در بالا ذکر شد مورد نظر متکلمین نیست، بلکه تنها معنای واقعی رجعت همین اصطلاح کلامی است.

رجعت در قرآن

هرچند هدف این نوشتار اشاره به دو روایت در خصوص رجعت امام حسین (ع) است؛ ولی به صورت گذرا به آیات قرآن در خصوص رجعت اشاره‌ای می‌شود. در قرآن آیاتی که در خصوص رجعت هستند نیز به دو صورت تصریحی و تلویحی آمده است. کلمه‌ی «رجع» با مشتقاتش در قرآن بسیار زیاد به کار رفته است. برخی از این آیات عبارت‌اند از:

۱. «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ»^۱. «و آن روز که از هرامتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده‌اند محشور می‌گردانیم پس آنان نگاه داشته می‌شوند تا همه به هم بیوندند»^۲.

علاوه بر اینکه خود آیه، تصریح به حشری غیر از قیامت دارد و مستقیماً می‌فهماند که قبل از برپائی قیامت است، روایات متواتری نیز از آئمه‌ی معصومین (ع) داریم که اذعان دارد آیه‌ی مذکور در خصوص رجعت است. اما دلیلی که این آیه را مربوط به حشر قیامت نمی‌داند، آیه‌ی قیامت است که می‌فرماید: «وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَا هُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا»^۳. «و یاد کن روزی را که کوه‌ها را به حرکت در می‌آوریم، و زمین را آشکار و صاف می‌بینی، و آنان را گرد می‌آوریم و هیچیک را فروگذار نمی‌کنیم».

از دیگر نکاتی که اثبات می‌کند این آیه مربوط به قیامت نیست حرف «من» است؛ زیرا به اذعان برخی از لغویین ادبیات عرب، اولین «من» در آیه برای تبعیض و دومی برای تبیین است و خود همین مطلب که در روز قیامت نمی‌تواند برخی از مردم زنده شوند ثابت می‌کند که این امر مربوط به غیر از قیامت است، که همان رجعت را ثابت می‌کند.^۴

۱. سوره‌ی النمل، آیه‌ی ۸۳.

۲. ترجمه‌ی قرآن کریم، محمد مهدی فولادوند.

۳. سوره‌ی الکهف، آیه‌ی ۴۷.

۴. «فإن قلت: أي فرق بين الأولى والثانية؟ قلت: الأولى للتبعيض، والثانية للتبيين، كقوله من الأوثان». زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۳، ص ۳۸۵؛ الطوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۲۰.

۲. ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ﴾^۱.

۳. ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ﴾^۲.

۴. ﴿أَوَكَلَّ الَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى جَمْرِكَ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۳.

آیاتی که از نظر گذشت، تنها بخشی از آیات در خصوص رجعت بود که توجه به ذیل این آیات که با روایات ائمه معصومین (ع) تفسیر شده خالی از نکات ارزنده و قابل تأمل نیست.

رجعت در روایات

اعتقاد به رجعت در میان شیعه آنچنان است که در برخی روایات، شاخص تشخیص مؤمن و شیعه‌ی واقعی نشان داده شده است.^۴ شیعه علاوه بر آیات که در فقرات قبلی به برخی از آنها اشاره شد، در پرتو رهنمودهای اهل بیت عصمت و طهارت، برداشت درستی از آموزه‌ی رجعت داشته و با تحلیل‌هایی که از آیات و روایات در کنف عقل اتخاذ کرده، راه میانه‌ی عقل‌گرایان افراطی و نص‌گرایان افراطی را در پیش گرفته است.

با توجه به اینکه حجم روایاتی که در باب رجعت وجود دارد بسیار زیاد است، و هر حدیثی نیز به زاویه‌ای از رجعت اعم از اشخاصی که رجعت می‌کنند، وقوع رجعت، مشخصات افراد رجعت کننده و ... اشاره دارد و همچنین روایات مروی در خصوص رجعت در دو ساحت شیعه و اهل سنت است.

روایات شیعه در زمینه‌ی رجعت آن هم به صورت مصرح و غیر مصرح بسیار زیاد است. محقق جزائری، تعداد این روایات را بالغ بر ۶۰۰ حدیث و علامه طباطبائی احادیث این باب را بالغ بر ۵۰۰ حدیث می‌داند.^۵ شیخ حرعاملی نیز با ۶۰۰ ادله‌ی قرآنی و روایی، مبحث رجعت را

۱. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۸۱.

۲. سوره‌ی البقرة، آیه‌ی ۲۴۳.

۳. سوره‌ی البقرة، آیه‌ی ۲۵۹.

۴. «عن فضل بن شاذان عن الرضا عليه السلام قال: من أقرببتوحيد الله، وساق الحديث إلى أن قال: وأقرب بالرجعة، والمتعتين، وأمن بالمعراج، والمساءلة في القبر، والحوض، والشفاعة، وخلق الجنة والنار، والصراط، والميزان، والبعث والنشور، والجزاء والحساب، فهو مؤمن حقاً، وهو من شيعتنا أهل البيت». السیوری، فاضل مقداد، اللوامع الإلهية في المباحث الكلامية، ص ۵۵۵.

۵. «هذه الروایات، فمنهم من طرح هذه الروایات، وهی مات وربما زادت علی خمسائة رواية في أبواب متفرقة، و منهم من أولها علی ظهورها و صراحتها، و منهم - وهم أمثل طريقة - من ينقلها و يقف علیها من غیر بحث»، رک.

در کتاب معروف خود، یعنی الايقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة بررسی می‌کند.

روایت امام صادق^(ع) در خصوص رجعت سید الشهدا^(ع)

«أَبَا عَبْدِ اللَّهِ^(ع) يَقُولُ أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ وَيَرْجَعُ إِلَى الدُّنْيَا الْحَسِينُ بْنُ عَلِيٍّ^(ع) وَإِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَهِيَ خَاصَّةٌ لَا يَرْجَعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضًا أَوْ مَحَضَ الشِّرْكَ مَحْضًا»^۱.
اگر سؤال شود اولین کسی که رجعت می‌کند کیست؟ این روایت اشاره به حضرت سید الشهدا دارد. این روایت حامل چندین پیام است:

الف) اولین کسی که رجعت می‌کند و به دنیا باز می‌گردد، امام حسین فرزند امام علی^(ع) است. در همین قسمت نیز می‌توان از چند زاویه مسئله را کاوید:

اول: اینکه امام صادق اشاره به بازگشتن به همین دنیا را دارد نه قیامت. زیرا برخی از مخالفین رجعت می‌گویند منظور از بازگشت در آیات قرآن بازگشت اموات به قیامت است.

دوم: تعبیر "تنشق الارض و يرجع الى الدنيا" می‌فهماند که رجعت مخصوص کسانی است که از دنیا رفته‌اند. این قسمت شامل خارج کردن افرادی مانند حضرت خضر نبی و ... است، که زنده هستند و رجعت درباره‌ی آنها معنا نمی‌یابد.

ب) رجعت همگانی نیست و شامل همه‌ی افراد بشر نمی‌شود؛ به همین دلیل تطبیق برآیه‌ی ۸۳ سوره‌ی نمل دارد: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ»^۲.

ج) افراد خاصی شامل بازگشت یا رجعت در زمان ظهور هستند.

د) افرادی که به دنیا باز می‌گردند دارای ویژگی‌های خاصی هستند که شامل دو طیف از انسان‌ها می‌شود؛ اول انسان‌های بسیار خوب و به تعبیر روایت محض ایمان و افرادی که در نهایت پلیدی یا به تعبیر روایت محض شرک (کفر) باشند.

روایت امام حسین^(ع) در رجعت خویش و اصحابشان

قبل از واقعه‌ی عاشورا و به شهادت رسیدن امام حسین^(ع)، در برخی روایات به شهادت ایشان در مکانی به نام کربلا اشاره شده است. یکی از این روایات، روایتی است که خود سید الشهدا در شب قبل از عاشورا برای اصحاب می‌خوانند که البته در متون روایی با الفاظ متفاوتی آمده است و توضیح آن بدین شرح است:

الطباطبائی، السید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۰۶، «سوره‌ی بقره، بحث روایی»؛ طیبی، نجم الدین، رجعت از نظر شیعه، صص ۶۱-۶۲.
۱. المجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹، حدیث ۱؛ الحلی، حسن بن سلیمان بن محمد، مختصر البصائر، ص ۱۰۹.
۲. سوره‌ی النمل، آیه‌ی ۸۳.



«... قال الحسين بن علي بن ابي طالب^(ع) لاصحابه قبل ان يقتل بليلة واحدة: ان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم قال: يا بني انك ستستاق {ستساق} الى العراق تنزل في ارض يقال له عمورا و كربلا، وانك تستشهد بها. واني راحل اليه غدا فمن احب منكم الانصراف فلينصرف في هذه الليلة فاني قد اذنت له وهو منى في حل و اكد فيما قاله تاكيدا بليغا فلم يرضوا وقالوا والله ما نفارقك ابدا حتى نرد موردك. فلما راي ذلك قال: فابشروا بالجنة فوالله انما نمكث ما شاء الله تعالى بعد ما يجرى علينا ثم يخرجنا الله و اياكم حين يظهر قائمنا فينتقم من الظالمين و انا و انتم نشاهدهم و [عليهم] السلاسل و الاغلال و انواع العذاب و النكال. فقليل له من قائمكم يا ابن رسول الله...»^۱

این روایت حکایت از آن دارد که سید الشهداء^(ع) در شب عاشورا روایت رسول الله^(ص) را برای اصحاب خویش می خوانند و می فرمایند: هر کس می خواهد برود، برود؛ زیرا فردا روز شهادت است. اصحاب حضرت ناراحت شده و به حضرت عرض می دارند، مگر ما بی وفا هستیم؟ و حاضر به ترک امام حسین نمی شوند. امام حسین^(ع) که چنین می بینند، در ادامه ی حدیث رسول الله^(ص) می فرمایند: بر شما باد بشارت بهشت. ما پس از مدتی که زمان آن به خواست خداست، مجدد خروج می کنیم و با قائم خود از ظالمین انتقام می گیریم. در این هنگام شخصی از امام در خصوص قائم^(ع) می پرسد و حضرت برای او توضیح می دهند.

این روایت بیان کننده ی رجعت امام حسین^(ع) و اصحاب ایشان در زمان ظهور امام زمان^(ع) است که البته در متون دیگر و روایات معتناهی نیز بدان اشاره شده است.

نتیجه

رجعت، یکی از معارف اهل بیت نبی گرامی اسلام^(ص) است که توسط ایشان به اصحاب خاص آموزش داده شده و پس از ایشان نیز توسط اندیشمندان شیعه گسترش یافته است. البته رجعت باید از مسائل حاشیه ای و دور از معارف قرآنی، عقلی و روایی پالایش شود، ولی اصل و اساس آن قطعاً یکی از آموزه های اختصاصی شیعه است. رجعت امام حسین^(ع) نیز از جمله ی این آموزه ها است. هر چند رجعت ائمه^(ع) گاهی با اغراق و غلو بیان می شود، مثلاً زمان حضور امام علی^(ع) و برخی دیگر از ائمه گاهی ۴۴۰۰۰ سال بیان شده است که قطعاً باید دقت شود، ولی در اصل حضور امامان شیعه در زمان ظهور امام زمان^(ع) هیچ گونه شکی نیست و شیعه با توجه به آموزه های خاندان اهل بیت^(ع) بدان معتقد است.

۱. ابن شاذان الازدی، مختصر اثبات الرجعة، صص ۳۴-۳۵. این روایت در مصادر دیگری با تغییراتی وارد شده است، برای نمونه رک. الراوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۸، حدیث ۶۳؛ الحر العاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة، ذیل بحث رجعت.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن شاذان الازدی، ابو محمد فضل بن شاذان، مختصر اثبات الرجعة، تحقیق السيد باسم الهاشمی، الطبعة الاولى، دار الکرام، بیروت، ۱۴۱۳ق.
- الحرالعملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة، با مقدمه ی آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۲۲ق.
- الحلی، حسن بن سلیمان بن محمد، مختصر البصائر، مصحح مظفر مشتاق، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۱ق.
- الحلی السیوری، فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، اللوامع الالهية فی المباحث الكلامية، تحقیق شهید قاضی طباطبائی، چاپ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۲۲ق.
- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
- الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، مصحح صفوان عدنان داودی، بیروت، دمشق، دار القلم - دار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
- الراوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله، الخرائج و الجرائح، چاپ اول، قم، مؤسسه امام مهدی (ع)، ۱۴۰۹ق.
- الزنجشیری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب، ۱۴۰۷ق.
- الشرتونی، سعید، اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، قم، کتابخانه آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ق.
- الطباطبائی، السید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه ی سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعہ ی مدرسین حوزہ ی علمیہ ی قم، ۱۳۷۴ش.
- ، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعہ ی مدرسین حوزہ ی علمیہ ی قم، ۱۴۱۷ق.
- طبری، نجم الدین، رجعت از نظر شیعه، ویراست دوم، چاپ پنجم، قم، دلیل ما، ۱۳۹۲ش.
- الطوسی، محمد، التبیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه ی آقا بزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- الفراهیدی، خلیل بن احمد، العین، چاپ دوم، قم، هجرت، ۱۴۰۹ق، ج ۱.
- المجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، الطبعة الثالثة، بیروت لبنان، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- مصباح یزدی، محمد تقی، جامعہ و تاریخ از دیدگاه قرآن، چاپ اول، قم، سازمان تبلیغات اسلامی معاونت فرهنگی، ۱۳۶۸ش.

